

می‌خواهم همه‌حس‌های قشنگ را تجربه کنم

شهروند | سمیرا خودش را یک ورشکسته تمام‌عیار می‌داند که حالا برنده شدن را تجربه کرده و خیلی خوشبخت است. وقتی نام فامیلش را می‌پرسم، مدتی سکوت می‌کند و می‌گوید: «سمیرا دختر ایران. چه فرقی دارد نام پدری ما چه باشد. زنی هستم از همین سرزمین» و اینگونه قصه سمیرا دختر ایران را برایتان روایت می‌کند. تمام عمرم را باختام و باخت آشنایی کامل دارم؛ یک ورشکسته تمام‌عیار که حالا یک برنده خوشبخت است. وقتی از ورشکستگی حرف می‌زنیم همه فکر می‌کنند ورشکستگی تنها برای مردان اتفاق می‌افتد، اما من یک زنم و تمام زندگی‌ام را باختام. دوران کودکی‌ام را با بداخلاقی‌های پدرم باختم و نوجوانی و جوانی‌ام، باختیم در قمار زندگی زناشویی بود، البته بعد از سال‌ها سوختن و ساختن تصمیم خیانت و تنها ماندن شد. زندگی‌ام با تلخی عجمین شده بود و به آن عادت کرده بودم. «این ادامه قصه‌اوست، از زبان خودش.

۵۲سال از خدا عمر گرفته‌ام، یک دختر از همه دنیا دارم. از زمانی که خودم را شناختم «سمیرا» صدایم زده‌اند، نامی که هیچ‌سختی با من ندارد. سمیرا یعنی دختری گندمگون در حالی که پوستم سفید است؛ به نظر می‌رسد حتی برای انتخاب اسم هم دقت نداشتند. خیلی زود زندگی مشترک و مادر شدن را تجربه کردم. پدر سنگگیری دارم و تنها فریادهایم را به یاد دارم. هر وقت به خانه می‌آمد، من و مادرم مثل دیوار می‌شدیم؛ رنگ پریده و ساکت، اما او همیشه بهانه‌ای برای دادوبیداد کردن داشت. مادرم خیلی زود از دستش دق کرد و مرد و من ماندم و غم‌هایم.

۱۷سالم نشده بود که پدرم به اجبار مرا به عقد مردی که چندسال کوچکتر از خودش بود، درآورد؛ هیچ‌وقت احساس زن بودن را تجربه نکردم؛ بیشتر به‌عنوان کلفتی وارد آن خانه شدم. به هر سختی‌ای بود روزها می‌گذشتن و تمام دلخوشی‌ام به دخترتم بود و همین شیرینی برام کافی بود. دخترم ۴سال بیشتر نداشت که همسرم برای همیشه از زندگی‌ام رفت؛ بی‌خبر از من داروندارش را فروخت و با زنی به یکی از کشورهای اروپایی فرار کرد. هم خوشحال بودم هم ناراحت. خوشحال بودم از آن برزخ راحت شده‌ام و ناراحت از اینکه همسرم خیانت کرده‌است. از همه اموال همسرم تنها خانه‌ای که در آن می‌نشینستیم برام مانده بود و همین هم جای شکرش باقی بود، چون من و دخترتم سقفی بالای سرمان داشتیم. برای متراخ زندگی هم هیچ هنری جز خانه‌داری بلد نبودم و شروع کردم برای دروهمسایه و آشنایان سبزی پاک کردن، ترشی انداختن و مربا پختن. به مرور کاروکاسبی‌ام خوب شد و مشتری‌های بیشتری پیدا کردم. واقعا بعد از سال‌ها آرامش را تجربه می‌کردم و همین برام خوشایند بود. گوشه حیاط خانه‌ام اتفاقی درست کردم همان‌جا را کردم محل کارم. حس خیلی خوبی بود. بعد از سال‌ها دادوفرید شنیدن و کتک خوردن تازه داشتم حس مستقل شدن و مورد توجه بودن را تجربه می‌کردم و کسی نمی‌تواند حالتم را درک کند، چون اینها حداقل‌هایی است که من از آنها سال‌ها محروم بودم. شاید باور تان نشود، اما برای اولین بار که با دخترتم رفتم مسافرت، بی‌اختیار گریه می‌کردم. اولین سفر زندگی‌ام بود و آن هم یکی از حس‌هایی بود که برای اولین بار تجربه‌اش می‌کردم. پدرم بارها به خانام آمد تا مثل گذشته من را مجبور کند با او زندگی و درآمدن را صرف زندگی‌اش کنم، اما زیر بار نفتم. دخترتم تمام انگیزه‌ام بود و نمی‌خواستم کودک‌ام را درخترم هم تجربه کند، برای همین روی تصمیمم پافشاری کردم و بالاخره پدرم هم ناامید شد و دست از سر زندگی‌ام برداشت. هیچ‌گاه برای طلاق غیبی هم اقدام نکردم، چون قصد ازدواج نداشتم و مهمتر اینکه نمی‌خواستم دخترتم به‌عنوان بچه طلاق شناخته شود، برای همین هنوز نام همسرم در شناسنامه‌ام هست، اما تمام این سال‌ها هم مادر دخترم بودم، هم پدرش، هم خواهر، هم برادرش. واقعا با هم خوشبختیم. شیرینم حالا برای خودش خانومی شده و در سش را خوانده و یک شرکت کار می‌کند و از من می‌خواهد دیگر کار نکنم، اما من به کار کردن زنده‌ام. حالا برای خودم مغازه کوچکی اجاره کرده‌ام و درآمدن هم بدنیست. انشاءالله چندماه دیگر دخترتم را با لباس سفید راهی خانه بخت می‌کنم. قرار است آنها در طبقه بالای خانام زندگی کنند؛ واقعا این روزها را در خواب هم نمی‌دیدم و فکرش را نمی‌کردم روزی این همه خوشبختی به من نزدیک باشد. کلی برنامه برای آینده دارم، می‌خواهم تمام حس‌های قشنگ را تجربه و آنها را به نوه‌هایم منتقل کنم. هنوز برای زندگی وقت هست، پس باید خوشبخت بود.

حدود ۸۵ درصد از رانندگانی که باعث تصادفات مرتبط با خواب می‌شوند، مرد هستند و حدود یک سوم آنها حداکثر ۳۰سال سن دارند.

کشف نخستین دندان انسان نئاندرتال در ایران

یک دندان متعلق به کودک نئاندرتال برای نخستین بار در پناهگاه صخره‌ای باوه‌یوان در استان کرمانشاه کشف شد. سامان حیدری گوران، سرپرست هیأت باستان‌شناسی این محوطه باستانی با اعلام این خبر گفت: «این نخستین بار است که بقایای یک انسان نئاندرتال به صورت قطعی در کشور ایران کشف می‌شود.» او گفت که دندان کشف‌شده یک دندان شیری متعلق به کودک ۷ساله است که به همراه دست‌افزارهای سنگی مربوط به دور پارینه‌سنگی میانی در کاوش‌های علمی به دست آمده‌است. به گزارش خبرآنلاین، حیدری گوران ادامه داد: «این دندان و براساس آزمایش‌های سن‌سنجی مطلق رادیو کربن ۱۴، دارای سنی مابین ۴۲ تا ۴۵ هزار سال است و این نئاندرتال متعلق به جوامع نئاندرتال نزدیک به عصر حاضر محسوب می‌شود.» این باستان‌شناس گفت: «دندان کشف‌شده از پناهگاه صخره‌ای باوه‌یوان، باز جمله دندان‌های نادر شیری کودک نئاندرتال است که به شکل علمی در جهان ثبت شده‌است.»



عکس: نسیم عظیمی / شهروند

«شهروند» از وضعیت بازار کتاب کودک و نوجوان گزارش می‌دهد

نبض ضعیف ادبیات کودک

تالیف به‌خصوص در حوزه کودک نیاز به تصویرگری دارد، دلیل آن هم هزینه کم ترجمه است. در واقع آن چیزی که ادبیات کودک و نوجوان را تهدید می‌کند، وضعیت اقتصادی است که در فضای عمومی جامعه هم دیده

شهروند | ادبیات کودک به شکل نوین آن را شاید بتوان به دوران مشروطه مرتبط دانست؛ دورانی که تحول مهمی در ادبیات کودک به‌وجود آمد. آن هم به واسطه گرایش و حرکت شعر از دیارهای خواص بین مردم و عوام. بعد از آن در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ بود که افسانه‌های عامیانه ملل مختلف به فارسی برگردانده شدند و مجلات و روزنامه‌ها صفحاتی را به کودکان اختصاص دادند تا اینکه این ادبیات در سال ۱۳۴۰ به نقطه عطف خود دست یافت، به‌طوری که می‌توان این سال را دورهای تازه در ادبیات کودک و نوجوان دانست. بعد از آن هم در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ رشد روزافزون جمعیت و جوان شدن آن و بالا رفتن درصد دانش‌آموزان و بهبود نسبی اوضاع اقتصادی سبب شد توجه به کودکان و نوجوانان افزایش یابد، اما با گذشت سال‌ها و رسیدن به دهه ۹۰ این رشد شکل منفی به خود گرفت، به‌طوری که در سال ۹۴ رشد تعداد کتاب‌های کودک منفی ۱۴ بوده و سال بعد از آن به منفی ۲۰ درصد رسیده و سال ۹۶ رقم منفی ۱۰ درصد را از سر گذرانده است. در ادامه پای گفت‌وگوی صاحب‌نظران این حوزه نشستیم که می‌خوانید.

شرایط راه‌رفتن کشیدن تالیف اگر فته‌است

ادبیات کودک و نوجوان حوزه‌ای است که در سال‌های بعد از انقلاب، هم از نظر کمی و هم کیفی رشد چشمگیری داشته است، اگرچه در میان این باور، افسردگی و کاربلد و صاحب‌نظر این حوزه معتقدند که در این سال‌ها ادبیات کودک و نوجوان از نوسند محوری به ناشر محوری میل کرده، مسأله‌ای که انتظار می‌رود آینده ادبیات کودک را با تغییرات اساسی روبه‌رو کند. معصومه انصاریان، نویسنده و مترجم ادبیات کودک و نوجوان در مورد بازار کتاب کودک به «شهروند» می‌گوید: «دور هم نگاه کنید، وضعیت کتاب کودک اصلا خوب نیست؛ از نظر بازار، وضعیت نویسندگان و ناشران واقع‌نویسندگان و مترجمان وضعیت خوبی به لحاظ اقتصادی ندارد، یعنی نویسندگان مترجم‌تلاش زیادی می‌کنند، اما از نظر اقتصادی بهره‌کشی می‌برند.» انصاریان شرایط اقتصادی نویسندگان را مساعد نمی‌داند، اما با این اوصاف بر این باور است که موفقیت‌ها و پیشرفت‌هایی هم در این حوزه کسب شده و ادامه می‌دهد: «از آنجایی که داور لاک پشت پرندام و تولیدات را رصد می‌کنم و می‌دانم که در زمینه کتاب در رنج‌های مختلف سنی و ژانرهای مختلف موفقیت‌ها و پیشرفت‌های خوبی داشته‌ایم، به‌خصوص در حوزه کودک و نوجوان. اما متأسفانه به آن اندازه که نویسندگان تلاش می‌کنند و انتظار می‌رود به لحاظ اقتصادی حاشیه‌امنی داشته باشند و بتوانند بر نوشتن تمرکز کنند، نه متأسفانه ما چنین شرایطی نداریم. دایما اخبار ناخوشایند و نامطلوبی به گوش مان می‌رسد که کاغذ و امکان چاپ نیست.» شدانتشار کتاب‌های ترجمه‌ای در مقایسه با کتاب‌های تالیفی، افزایش چشمگیر کتاب‌های تلخیصی بدون استفاده از هنر و خلاقیت نویسنده، ورود مترجمان کم‌تجربه به سودای کتاب کودک و ... از دیگر مشکلاتی است که نویسندگان تلاش می‌کنند و انتظار می‌رود آن رنج می‌برد. بعضی از نویسندگان بر این باورند که ادامه این شیوه، آینده ادبیات این حوزه را دستخوش تغییرات اساسی خواهد کرد. این داور لاک‌پشت پرنده در این مورد می‌گوید: «متأسفانه ناشران روی ترجمه متمرکز شده‌اند و تالیف نمی‌پذیرند و آن هم دلیل اقتصادی دارد، چون کار

می‌شود که به ادبیات کودک ضربه زده و می‌زند و ما باید انتظار شرایط بدتر را هم داشته باشیم.» انصاریان کتاب‌های ترجمه‌شده را بخشی از این بازار می‌بیند و بر این باور است که در انتخاب کتاب‌ها برای ترجمه دقت لازم صورت

ادبیات کودک و نوجوان را در یابیم

سحر ترهنده، عضو هیأت‌مدیره شورای کتاب کودک و مدیر کتاب‌های طلوطی در گفت‌وگو با «شهروند» از وضعیت بازار کتاب کودک و نوجوان و چالش‌های این حوزه همچنین توجه به یادها و نوبت‌های ادبیات کودک و نوجوان می‌گوید. وضعیت بازار کتاب کودک در ایران بین سه گروه ناشر به صورت نامساوی تقسیم شده است؛ ناشران دولتی، خصوصی و کتاب‌های کنکوری/کمک‌آموزشی که به تولید کتاب کودک هجوم آورده‌اند. بازار کتاب کودک با این گرانی کاغذ و چاپ و غیره روزهای خوبی را در پیش‌رو ندارد. ناشران دولتی سال‌هاست در حال تولید حجم بالایی از کتاب با کیفیت پایین و قیمت نازل هستند و به دلیل فروش‌های درون‌سازمانی چندان در قید فروش در کتابفروشی‌ها و مخاطب عام نیستند. ناشران کتاب‌های کمک‌آموزشی اما پدیده‌ای دیگرند که در چند سال اخیر باعث برهم‌خوردن بازار سنتی فروش کتاب کودک شده‌اند. این ناشران با در دست داشتن سرمایه‌های کلان و تبلیغ در رسانه‌های جمعی داخل و خارج کشور به صورت مداوم و بسیار گسترده در حال گرفتن بالاترین حجم از بازار و تغییر دادن ذائقه مخاطبان کودک و نوجوان هستند، از شاخه‌های این ناشران سرعت بالا و حجم انبوه در تولید است. در نمایشگاه کتاب تهران امسال این نکته بشدت به چشم می‌آمد که یک یا دو ناشر سهمی بیش از ۷۰ درصد از کل فروش را به خود اختصاص داده بودند. ناشران خصوصی هم طیف گسترده‌ای دارند؛ از ناشران کتاب‌های زرد تا ناشرانی خوشنام با آثاری درجه یک. در این میان ناشران خصوصی‌ای که با بودجه‌هایی بسیار اندک در حال تولید آثاری با کیفیت و مناسب برای کودکان هستند، امکان رقابت برابر با دو گروه دیگر را ندارند و کار پیرایش بسیار دشوار شده‌است!

وضعیت بازار کتاب کودک را چطور می‌توان ارزیابی کرد؟

بازار کتاب کودک در ایران بین سه گروه ناشر به صورت نامساوی تقسیم شده است؛ ناشران دولتی، خصوصی و کتاب‌های کنکوری/کمک‌آموزشی که به تولید کتاب کودک هجوم آورده‌اند. بازار کتاب کودک با این گرانی کاغذ و چاپ و غیره روزهای خوبی را در پیش‌رو ندارد. ناشران دولتی سال‌هاست در حال تولید حجم بالایی از کتاب با کیفیت پایین و قیمت نازل هستند و به دلیل فروش‌های درون‌سازمانی چندان در قید فروش در کتابفروشی‌ها و مخاطب عام نیستند. ناشران کتاب‌های کمک‌آموزشی اما پدیده‌ای دیگرند که در چند سال اخیر باعث برهم‌خوردن بازار سنتی فروش کتاب کودک شده‌اند. این ناشران با در دست داشتن سرمایه‌های کلان و تبلیغ در رسانه‌های جمعی داخل و خارج کشور به صورت مداوم و بسیار گسترده در حال گرفتن بالاترین حجم از بازار و تغییر دادن ذائقه مخاطبان کودک و نوجوان هستند، از شاخه‌های این ناشران سرعت بالا و حجم انبوه در تولید است. در نمایشگاه کتاب تهران امسال این نکته بشدت به چشم می‌آمد که یک یا دو ناشر سهمی بیش از ۷۰ درصد از کل فروش را به خود اختصاص داده بودند. ناشران خصوصی هم طیف گسترده‌ای دارند؛ از ناشران کتاب‌های زرد تا ناشرانی خوشنام با آثاری درجه یک. در این میان ناشران خصوصی‌ای که با بودجه‌هایی بسیار اندک در حال تولید آثاری با کیفیت و مناسب برای کودکان هستند، امکان رقابت برابر با دو گروه دیگر را ندارند و کار پیرایش بسیار دشوار شده‌است!

حوزه ادبیات کودک و نوجوان چه چالش‌هایی دارد؟

در حوزه کتاب‌های کودک و نوجوان چالش‌های بسیار از سالیان دور وجود داشته که هنوز هم گریبانگیر ما است. به علت بحث تمیزی‌های سلیقه‌ای، عدم رعایت حقوق ناشران و پدیدآوردن ناگان، تعداد کم خریداران کتاب، نبود کتابخانه در مدارس، حجم بالای کتاب‌های بازاری و بی‌کیفیت و ... به دلیل نبود قانون و بخشنامه‌های مدون در رابطه با کم‌وب کیف حقوق پدیدآوردندگان و التزام به کپی‌رایت جهانی روزبه‌روز شاهد آشفتنگی و

آیا کتاب کودک تنها جنبه سرگرمی دارد یا در قالب داستان نکات زندگی فردی و اجتماعی را به کودکان آموزش می‌دهد؟

کتاب‌هایی که برای کودک و نوجوان تولید می‌شوند، طیف بسیار وسیعی دارند؛ یک سر این طیف، کتاب‌هایی قرار دارند که تنها تصویر موجود در آنها، تصویر روی جلد است و تمام بار روایت و انتقال معنا در کتاب برعهده متن است و در سر دیگر طیف، کتاب‌هایی قرار دارند که تنها نوشته در آنها، عنوان کتاب و نام پدیدآورنده است و باقی روایت و بیان مضمون را تصاویر برعهده دارند. کتاب‌های تصویری، خود هم طیفی بسیار گسترده و گونه‌های متفاوتی دارند؛ از جمله می‌توان به کتاب‌های اسباب‌بازی‌ها، الفباآموزها، عددآموزها، کتاب‌های مفهومی و کتاب‌های تصویری بدون کلام اشاره کرد. کتاب‌های کودکان علاوه بر ایجاد میل و لذت خواندن باعث رشد قوه خلاقیت کودک، رشد همه‌جانبه ذهنی و شناختی کودک، گسترش درک مخاطب از مضامین پیچیده، تسهیل درک مضامین انتزاعی یا تخیلی دور از دسترس (مانند مضامینی مرتبط با تاریخ، علوم و ...)، بالا بردن درک کودکان از زیبایی و سواد بصری، گسترش ذهنه دایره واژگان کودک و سواد ادبی (تربیت کلمات و تصاویر، خوراک فکری برای تخیل، کنج‌کاری و ایده‌پردازی به کودک می‌دهد)، بالا بردن اطلاعات فرهنگی (نشان دادن تنوع جسمی، فرهنگی، قومی، نژادی، جغرافیایی، جنسیتی در قالب تصاویر، دانش عمومی مخاطب را ناخودآگاه افزایش می‌دهد)؛ به‌جاش کشیدن کلیشه‌های اجتماعی (تقویت فرهنگ صلح و مدارا و درک دیگری‌محی شوند.



می‌گیرد و ادامه می‌دهد: «کتاب‌هایی که ترجمه می‌شوند، کیفیت و محتوای خوبی دارند. در واقع ترجمه‌ها گلچین بهترین‌ها هستند، در عین حال که فرهنگ کشورهای دیگر را به ما معرفی می‌کنند و اینگونه نیست که ترجمه جای تالیف را بگیرد. اگر امروز ترجمه جای تالیف، نشسته، به دلیل کم‌کاری نویسندگان نیست، چون نویسندگان کار خودشان را انجام می‌دهند، اما به دلیل شرایط اقتصادی و حرفه‌ای که در حال حاضر برای نویسندگان در جامعه ما وجود دارد، اجازه نمی‌دهد تالیف نفس بکشد.» این نویسنده و مترجم ادبیات کودک و نوجوان با اشاره به جایگاه مناسب نویسندگان حوزه کودک و نوجوان در جهان می‌گوید: «با کمال افتخار اعلام می‌کنم که انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در دوسال اخیر تلاش کرده بهترین‌های ادبیات کودک و نوجوان را در قالب کاتالوگی به دنیا عرضه کند. در این کاتالوگ بهترین‌های ادبیات کودک و نوجوان این حوزه معرفی شده‌اند و به‌هر حال نمایشگاه فرانکفورت ارایه شده است، البته آثار بسیاری از نویسندگان ما به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. با ارامی، حسن زاده، جمشید خانیان، مرادی کرمانی و بسیاری از نویسندگان به دلیل ترجمه آثارشان به زبان‌های دیگر و بهره‌بردن از آنها به‌عنوان کتاب‌های درسی در کشورهای دیگر جهانی شده‌اند. خوشبختانه ادبیات کودک و نوجوان در این زمینه سرش بالاست، اما از این حوزه حمایت نمی‌شود. اگر نویسندگان شرایط خوبی داشته باشند و بتوانند روی نوشتن تمرکز داشته باشند، حتما تالیف‌های بهتری خواهیم داشت.» انصاریان با اشاره به بسته‌های آموزشی موجود در بازار کتاب کودک ادامه می‌دهد: «بسته‌های آموزشی موجود در بازار نیاز دارند تک‌به‌تک مورد بازنگری و تحلیل قرار بگیرند و در مجموع نمی‌توان عنوان کرد این بسته‌ها کاربردی‌اند یا نه، چون بعضی از این بسته‌ها تحت نظر افراد صاحب‌نظر و کارشناس تهیه می‌شوند و می‌توانند آثار مثبتی به‌جا بگذارند، در حالی که در مقابل مواردی هم دیده می‌شوند که تنها جنبه تبلیغاتی و درآمدزایی دارند و هدف نهایی یعنی همان درآمدزایی را دنبال می‌کنند.»

کتاب‌های خوبی تالیف کرده‌ایم

بررسی آمار تطبیقی نشر کتاب کودک و نوجوان طی سال‌های ۹۵ و ۹۶ است. اما آمار سال ۹۶ افت بسیار عظیمی را نشان می‌دهد. این افت تاحدی بوده که حتی شمارگان سال ۹۶ کتاب کودک نیز همچنان به امارت‌های سال ۹۳ برنگشته است. در واقع وضع کتاب کودک در این سال‌ها چه در محتوا و چه در شمارگان رو به رشد ارزیابی نمی‌شود. در جامعه‌ای که سهم کتاب کودک هر سال کم و کمتر می‌شود، ادبیات کودک نیز در حال تغییر شکل است. علی‌اصغر سیدآبادی، شاعر و نویسنده بازار ادبیات کتاب کودک را یک‌پارچه و پدیده‌ای مدیریت‌شده نمی‌داند و در این باره به «شهروند» می‌گوید: «منی‌توان سمت معینی برای بازار ادبیات کودک و نوجوان تعریف کرد. ادبیات کودک ایران یک چیز نیست که به شکل یک‌پارچه هدف مشترکی داشته باشد، لزوماً ما با پدیده مدیریت‌شده‌ای روبه‌رو نیستیم که بتوانیم بگوییم به کدام سمت می‌رود.» سیدآبادی بر این باور است که می‌توان در مورد سمت‌وسوی جریان‌هایی که در ادبیات کودک و نوجوان وجود دارد، صحبت کرد و ادامه می‌دهد: «به نظر من در سال‌های اخیر جریانی که در ادبیات کودک شکل گرفته و مهم‌ترین سهم جریان ساختن کتاب‌های زیر پنج‌سال است، جریانی است که قوی است. خوشبختانه وضعیتش به‌گونه‌ای است که از نظر نیازهایی که کودک ایرانی دارد، توان رقابت با کشورهای خارجی یافته‌است، البته این توان فنی‌اش نیست. در زمان نوجوان هم فضاهای تازه‌ای باز شده، نویسندگان نسل جدید موضوعات مهمی را مورد توجه قرار می‌دهند، این دومین جریانی است که می‌توان به آن توجه کرد، البته نکته‌ای که در ادبیات غیرداستانی کودک و نوجوان ضعف داریم و نتوانسته‌ایم کتاب‌های خوبی تالیف کنیم.» اگرچه این شاعر و نویسنده از آن بودن کتاب‌های ترجمه را دلیل اصلی افزایش آنها در بازار کتاب کودک و نوجوان می‌داند، در این باره به «شهروند» می‌گوید: «ترجمه کتاب کودک و نوجوان بخش مهمی از بازار را گرفته، چون کتاب ترجمه با قیمت ارزان‌تر امکان تولید دارد، در حالی که در همه جای دنیا ترجمه گران‌تر است، چون حق ترجمه و هم حق کپی‌رایت در سایر کشورها پرداخت می‌شود و در حالی که حق کپی‌رایت در ایران پرداخت نمی‌شود و سبب شده ترجمه هزینه کمتری داشته باشد، البته همین قیمت پایین سبب شده ناشران به ترجمه‌ها اقبال بیشتری نشان دهند. به‌عنوان مثال تالیف یک کتاب ۲۴ صفحه‌ای در ایران حداقل به ۳ تا ۴ میلیون نیاز دارد، در حالی که ترجمه همین تعداد صفحه با وجود مترجمان تازه‌کار به ۵۰۰ هزار تومان هزینه نیاز دارد. در حقیقت رقابت در این زمینه برابر نیست.» این نویسنده و شاعر در مورد بسته‌ها و کتاب‌های آموزشی بازار کتاب کودک می‌گوید: «کتاب‌هایی از همان ابتدا با تصمیم آموزشی وارد تالیف و بازار می‌شوند، اما بعضی کتاب‌ها چنین تصمیمی ندارند، ولی کارکرد آموزشی هم می‌یابند. داستان‌ها می‌توانند کارکردهای آموزشی داشته باشند، اما هدف اولیه‌شان آموزشی نیست. بعضی داستان‌ها این کارکرد دارند.»